

Original Article

The Impact of Agricultural Growth and Energy Consumption on Greenhouse Gas Emissions and Environmental Quality in Middle Eastern countries

1Ghasem Layani* 2. Mehdi Karami-Dehkordi

1. Assistant Professor of Management and Rural Development Department, Faculty of Agriculture, Shahrekord University, Iran

2-Associate Professor of Management and Rural Development Department, Faculty of Agriculture, Shahrekord University, Iran

Abstract

The investigation of determinants influencing greenhouse gas emissions, particularly within the realms of agricultural development and energy consumption, is critical for environmental sustainability. The agricultural sector is a primary contributor to methane and nitrous oxide emissions, significantly exacerbating environmental degradation. Additionally, the robust population growth observed in Middle Eastern nations, coupled with rising demands for food, energy, and industrial expansion, led to these countries contributing 8.30% to global carbon dioxide emissions. Thus, this study aims to analyze the influences of agricultural development, energy consumption patterns, trade liberalization, and population growth on greenhouse gas emissions, utilizing data from a panel of Middle Eastern countries over the period from 2000 to 2020. The findings indicate a bidirectional causal relationship between population dynamics and greenhouse gas emissions, energy consumption, and agricultural growth. Additionally, unidirectional causal links were identified: from population to trade liberalization, from trade liberalization to methane emissions, from energy consumption to methane emissions, from population to nitrous oxide emissions, and from energy consumption to agricultural development in the region. Long-term relationship assessments revealed that development in the agricultural sector exerts the most significant impact on methane emissions while having the least effect on carbon dioxide emissions. Based on the coefficients from the three estimated models, a 1% increase in the agricultural sector's contribution to the GDP of Middle Eastern countries corresponds to an increase in emissions of 0.061% for carbon dioxide, 0.130% for methane, and 0.109% for nitrous oxide. Furthermore, the analysis highlights a positive correlation between energy consumption and emissions of both carbon dioxide and methane. According to the results of this study, it is recommended that Middle Eastern countries adopt effective strategies to

optimize energy consumption and increase its efficiency, develop the use of renewable energies, and adopt new technologies in agriculture in order to reduce greenhouse gas emissions. On the other hand, policies related to trade liberalization should be designed in a way that, while ensuring food security, reduces negative impacts on the environment. Finally, planning to control population growth and increasing public awareness about environmental challenges can also help improve the current situation.

Keywords: Agricultural growth, climate change, energy, panel data, trade.

نسخه
پیش از انتشار

مقاله پژوهشی

اثرات رشد بخش کشاورزی و مصرف انرژی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای و کیفیت محیط‌زیست در کشورهای

خاورمیانه

قاسم لیانی، مهدی کرمی دهکردی

قاسم لیانی گروه مدیریت و توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول):

(Ghasem.layani@sku.ac.ir)

مهدی کرمی دهکردی گروه مدیریت و توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهرکرد

(karami596@yahoo.com)

چکیده

مطالعه بر روی عوامل مؤثر بر انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌ویژه در زمینه توسعه بخش کشاورزی و مصرف انرژی از اهمیت بالایی برخوردار است. بخش کشاورزی به عنوان یکی از منابع اصلی تولید متان و اکسید نیتروژن، تأثیر قابل‌توجهی بر آلودگی محیط‌زیست دارد. از سوی دیگر آهنگ مثبت رشد جمعیت در کشورهای خاورمیانه همراه با افزایش تقاضا برای مواد غذایی، انرژی و رشد صنعتی، منجر شد تا این کشورها سهم ۸/۳۰ درصدی در انتشار دی‌اکسیدکربن جهانی داشته باشند. لذا هدف مطالعه حاضر شناسایی اثرات رشد بخش کشاورزی، مصرف انرژی، آزادسازی تجاری و رشد جمعیت بر انتشار گازهای گلخانه‌ای بر اساس پانل متشکل از کشورهای منطقه خاورمیانه طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ است. در این مطالعه ضمن بررسی علیت گرانجری بین متغیرها، روابط بلندمدت بین آن‌ها از روش همجمعی داده‌های ترکیبی (FMOLS) تعیین شد. نتایج بدست آمده، یک رابطه علی دوطرفه از جمعیت به انتشار گازهای گلخانه‌ای، مصرف انرژی و رشد بخش کشاورزی را نشان می‌دهد. همچنین یک رابطه علی یک‌طرفه، از رشد کشاورزی به انتشار گازهای گلخانه‌ای، آزادسازی تجاری به انتشار متان، مصرف انرژی به انتشار متان، جمعیت به انتشار اکسید نیتروژن و مصرف انرژی به رشد کشاورزی نیز در این منطقه مشاهده شد. نتایج تخمین رابطه بلندمدت نشان داد رشد بخش کشاورزی بیشترین تأثیر را بر انتشار گاز متان و کمترین تأثیر را بر انتشار دی‌اکسیدکربن داشته است. با توجه به ضریب این متغیر در سه مدل برآوردی می‌توان انتظار داشت که افزایش ۱ درصدی ارزش افزوده بخش کشاورزی در کشورهای خاورمیانه به ترتیب منجر به افزایش ۰/۱۳۰، ۰/۰۶۱ و ۰/۱۰۹ درصدی انتشار دی‌اکسیدکربن، گاز متان و اکسید نیتروژن شود. همچنین تأثیر مصرف انرژی در این کشورها بر انتشار دی‌اکسیدکربن و گاز متان مثبت ارزیابی شد. با توجه به نتایج این مطالعه، پیشنهاد می‌شود که کشورهای خاورمیانه در راستای

کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، استراتژی‌های مؤثری در زمینه بهینه‌سازی مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری آن، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و تکنولوژی‌های نوین در کشاورزی اتخاذ نمایند. از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آزادسازی تجاری باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ضمن تأمین امنیت غذایی، اثرات منفی بر محیط‌زیست کاهش یابد. در نهایت، برنامه‌ریزی برای کنترل رشد جمعیت و افزایش آگاهی عمومی در مورد چالش‌های محیط زیستی نیز می‌تواند به بهبود وضعیت موجود کمک شایانی نماید.

طبقه‌بندی JEL: D24، D21، L66

واژه‌های کلیدی: انرژی، تجارت، تغییر اقلیم، رشد بخش کشاورزی، داده‌های ترکیبی

نرخ رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه به طور متوسط حدود ۲/۵ درصد در سال است که این میزان تقریباً دو برابر نرخ رشد جمعیت جهانی (۱/۰۵ درصد) می‌باشد. به علاوه، بهبود استانداردهای زندگی و افزایش طول عمر که به طور میانگین از ۶۵ سال در سال ۲۰۰۰ به ۷۲ سال در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت، منجر به اضافه شدن حدود ۱/۲ میلیارد نفر به جمعیت این کشورها در دو دهه اخیر شده است. این افزایش جمعیت تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد و منابع طبیعی خواهد داشت، به طوری که پیش‌بینی می‌شود تقاضا برای منابع آب تا سال ۲۰۳۰ در این مناطق تا ۴۰ درصد افزایش یابد (FAO, 2021). افزایش جمعیت از یک‌سو، منابع انسانی موردنیاز برای توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر منجر به افزایش تقاضا برای آب، انرژی و غذا و سایر منابع می‌شود که می‌تواند منجر به افزایش فشار بر محیط‌زیست و انتشار آلودگی شود. افزایش تقاضا برای مواد غذایی، افزایش فعالیت‌های کشاورزی، زراعی و دامپروری، تغییر در روش‌های مرسوم کشاورزی از جمله استفاده بیشتر از مواد شیمیایی به منظور افزایش عملکرد محصولات نیز به‌خودی‌خود موجب انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌گردد (Rehman and Mamun., 2016). از سوی دیگر، انجام هر فعالیت اقتصادی نیازمند مصرف انواع حامل‌های انرژی است که به‌عنوان عامل محرک رشد اقتصادی و ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌ها شناخته می‌شود. در دهه‌های اخیر، انرژی به همراه سایر عوامل تولید، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی کشورهای مختلف ایفا کرده و اهمیت آن همچنان در حال افزایش است. به‌طور خاص، براساس آمار سازمان بین‌المللی انرژی، مصرف جهانی انرژی در سال ۲۰۲۲ به حدود ۶۰۰۰ میلیون تن معادل نفت خام رسید که نشان‌دهنده رشد ۵ درصدی نسبت به سال قبل است. با این حال، مصرف انرژی همچنین یکی از منابع اصلی تولید آلاینده‌های محیط زیستی در سطح جهانی محسوب می‌شود. به‌طوری که طبق گزارشات، حدود ۷۰ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی است که تأثیرات منفی قابل توجهی بر تغییرات اقلیمی دارد (Abdollahi et al., 2016). نتایج مطالعات مختلف نشان داد که فعالیت‌های انسانی از جمله کشاورزی منجر به افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو با اثرات مستقیم بر گرمایش جهانی شده است. بخش کشاورزی به عنوان یک عامل اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی شناخته می‌شود و نقش مهمی در ریشه‌کنی گرسنگی و تحقق امنیت غذایی ایفا می‌کند (Hosseini et al., 2013)، که این موارد به عنوان اهداف کلیدی توسعه پایدار در سطح بین‌المللی مطرح هستند. با این حال، بخش کشاورزی به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارد و این تغییرات به‌ویژه در دهه‌های

اخیر به تهدیدی جدی برای تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی جهانی تبدیل شده است. بر اساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، تغییرات آب و هوایی می‌تواند باعث کاهش ۱۰ تا ۲۵ درصدی تولید محصولات کشاورزی در برخی مناطق آسیب‌پذیر تا سال ۲۰۵۰ شود و تهدیدی جدی برای امنیت غذایی در جهان محسوب می‌شود. به‌علاوه، در سال ۲۰۲۰، حدود ۳۳ درصد از کل تولیدات کشاورزی در سطح جهانی تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار گرفتند (Florea et al., 2020). به‌منظور دستیابی به امنیت غذایی در کشورهای مختلف، تلاش‌هایی برای ترویج انواع محصولات پر بازده (Nazari Gooran & Borimnejad, 2015)، ارائه یارانه به نهاده‌های کشاورزی همچون آب، کود و انرژی (Kiani Feyzabad et al., 2023) و توسعه سطح زیرکشت محصولات آبی صورت گرفته است. با این حال، استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی و افزایش مصرف منابع فسیلی، علاوه بر کمک به دستیابی به این هدف، موجب افزایش آلودگی محیط‌زیست نیز می‌شود (Nikkhah et al., 2015). بنابراین، بخش کشاورزی خود نیز به‌عنوان یکی از منابع اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای شناخته می‌شود. بر اساس مطالعات گذشته، سیستم‌های کشاورزی ۱۴ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی را به خود اختصاص داده‌اند (Amiri et al., 2020). این انتشارات به‌طور عمده به مدیریت خاک‌های کشاورزی، پرورش دام، تولید برنج و احتراق زیست‌توده مرتبط هستند. به‌عنوان مثال، تولید متان ناشی از دامداری و کشت برنج، به‌تنهایی مسئول حدود ۴۰ درصد از کل انتشارات گازهای گلخانه‌ای بخش کشاورزی است. سیستم‌های زراعی مقادیر قابل‌توجهی دی‌اکسید کربن (عمدتاً از سوزاندن سوخت‌های فسیلی و گیاهان، پوسیدگی میکروبی و مواد آلی خاک)، اکسید نیتروژن (ناشی از فرآیندهای نیتریفیکاسیون و نیترات‌زدایی در خاک و کود) و متان (رهاشده از تجزیه مواد آلی در شرایط بی‌هوازی) به محیط‌زیست آزاد می‌کند (Smith et al., 2013). در نتیجه، افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌تواند بر اقلیم زمین (Mosavi et al., 2020)، نیاز آبی گیاهان و تقاضای آب بخش کشاورزی (Gosling and Arnell, 2016) و کاهش مواد مغذی خاک و عملکرد محصول (Frenck et al., 2011) تأثیر بگذارد. این واقعیت نشان می‌دهد که در حالی که بخش کشاورزی متأثر از تغییرات اقلیمی است، خود نیز به این تغییرات دامن می‌زند و بنابراین نیاز به اتخاذ رویکردهای پایدار و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود.

علاوه بر رشد جمعیت، مصرف انرژی و فعالیت‌های بشر از جمله کشاورزی، تأثیر جهانی‌شدن بر کیفیت محیط‌زیست نیز در ادبیات بخش انرژی و محیط‌زیست برجسته شده است. از یک سو، مصرف انرژی با ایجاد روابط تجاری و

سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد که خود انتشار گازهای گلخانه‌ای را در پی دارد (Ghimire *et al.*, 2021). از سوی دیگر، جهانی شدن می‌تواند فرصتی برای بهبود شرایط اقتصادی و کنترل آلودگی برای کشورها فراهم آورد (Ahad and Khan, 2016). تجارت بین‌الملل می‌تواند به عنوان ابزاری برای انتقال فناوری پایدار عمل کند، زیرا تجارت با تغییر الگوهای تقاضا و رقابتی‌تر کردن تولید، امکان تولید محصولات و خدمات با کارایی بیشتر و اثرات محیط زیستی کمتر را فراهم می‌آورد (Abdullahi *et al.*, 2016).

تاکنون مطالعات مختلفی به بررسی روابط بین شاخص‌های اقتصادی و آلودگی محیط زیست پرداختند. در اکثر مطالعات در این زمینه به فرضیه محیط زیستی منحنی کوزنتس^۱ توجه شده است. پس از آنکه سیمون کوزنتس در سال ۱۹۹۵ فرضیه منحنی محیط زیستی کوزنتس را هدف قرار داد، به‌طور گسترده به عنوان چارچوبی برای بررسی روابط بین رشد اقتصادی و محیط زیست استفاده شد. بر اساس فرضیه محیط زیستی کوزنتس، در مراحل ابتدایی رشد اقتصادی، افزایش آلودگی به دلیل استفاده از سوخت‌های فسیلی و فناوری‌های قدیمی اجتناب‌ناپذیر است (Ridzuan *et al.*, 2020). اما در مراحل پیشرفته‌تر، با بهره‌گیری از فناوری‌های پاک و سیاست‌های محیط زیستی مناسب، میزان آلودگی کاهش می‌یابد (Raihan & Tuspekova, 2022). این روند در کشورهای پیشرفته‌ای نظیر ایالات متحده و اروپا مشهود است که با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و اتخاذ سیاست‌های هوشمند محیط زیستی، موفق به کاهش آلودگی شده‌اند (Fakher *et al.*, 2023). اگرچه اساساً فرضیه منحنی کوزنتس بر رابطه بین درآمد و مجذور آن بر انتشار آلودگی تأکید دارد (Yusuf *et al.* 2020) اما در برخی از مطالعات به نقش مصرف انرژی نیز در کنار درآمد بر متغیر انتشار آلودگی توجه شده است (Li *et al.* 2023; Guo *et al.* 2024; Abban *et al.*, 2022; Gnangoin *et al.*, 2022). به عنوان مثال، Gnangoin و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود اثرات مصرف انرژی، آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی را بر انتشار CO₂ بررسی کردند. در این مطالعه از روش حداقل مربعات تعمیم یافته و حداقل مربعات دو مرحله‌ای استفاده شد. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر منفی مصرف انرژی تجدیدپذیر، صنعتی شدن و باز بودن تجارت و تأثیر مثبت مصرف انرژی تجدیدناپذیر، رشد اقتصادی و سرمایه انسانی بر انتشار آلودگی بود. همچنین Abban و همکاران (۲۰۲۲) با استفاده از تجزیه و تحلیل موجک به بررسی رابطه بلندمدت و پیوند بین انرژی تجدیدپذیر، رشد

¹ Environmental Kuznets curve hypothesis

اقتصادی و انتشار CO₂ پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که یک رابطه کوتاه مدت و بلند مدت بین متغیرهای مورد بررسی وجود دارد. به طور جزئی تر انرژی تجدیدپذیر رابطه منفی با انتشار آلودگی و جهانی شدن رابطه مثبت با انتشار آلودگی دارد. Chovancová و همکاران (۲۰۲۴) نیز در مطالعه خود نشان داد تولید ناخالص داخلی و مصرف انرژی انتشار CH₄ را در کشورهای OECD افزایش می دهد درحالی که مصرف انرژی تجدیدپذیر و توسعه انسانی رشد آن را کاهش می دهد. علاوه بر متغیر مصرف انرژی، نقش جمعیت بر انتشار دی اکسید کربن نیز در مطالعات متعددی (Dietz & Rosa, 1997; Begum et al., 2015; Dong et al., 2018; Cahyo et al., 2023; Ahmed et al., 2024) برجسته شد. Ahmed و همکاران (۲۰۲۴) با استفاده از روش رگرسیون چندک، نشان دادند که پیری جمعیت باعث کاهش انتشار آلودگی می شود و رشد اقتصادی تأثیر مثبتی بر انتشار گازهای گلخانه ای دارد. نتایج مطالعه Cahyo و همکاران (۲۰۲۳) نیز نشان داد جمعیت شهری، مساحت جنگل و صنعتی شدن بر انتشار دی اکسید کربن در کشور اندونزی تأثیر منفی و معنادار دارد. Dong و همکاران (۲۰۱۸) نیز به تأثیر مثبت جمعیت و رشد اقتصادی بر انتشار آلودگی اشاره کردند. رابطه بین باز بودن روابط تجاری و انتشار آلودگی نیز توسط محققان مختلفی مورد مطالعه قرار گرفت. برخی از این مطالعات به تأثیر مثبت باز بودن تجارت بر انتشار آلودگی اشاره کردند (Ulucak & Bilgili, 2018; Ashraf et al. 2023). در مقابل نتایج برخی دیگر از مطالعات نیز حاکی از رابطه منفی بین تجارت و انتشار آلودگی است (Destek & Sarkodie, 2019; Ahmed et al., 2019; Alola et al., 2019; Pan et al., 2023). به طور مثال Alola و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از روش خود توضیحی با وقفه های گسترده پنبلی به بررسی تأثیر مصرف انرژی تجدیدپذیر، آزادسازی تجاری، تولید ناخالص داخلی بر رد پای اکولوژیک در کشورهای اتحادیه اروپا پرداختند. نتایج نشان داد تأثیر آزادسازی تجاری بر رد پای اکولوژیک در بلندمدت منفی و در کوتاه مدت مثبت است. در مطالعه Chovancová et al. (2024) نیز هیچ اثر قابل توجهی از باز بودن تجارت بر انتشار متان برای کشورهای OECD یافت نشد. رابطه بین کشاورزی و محیط زیست، از نقطه نظر تأثیرات ناشی از تغییرات آب و هوایی بر کشاورزی، مورد توجه مطالعات مختلف بوده است (Simionescu et al., 2021). تأثیر فعالیت کشاورزی بر انتشار گازهای گلخانه ای نیز در مطالعه Tubiello et al. (2013) و Florea et al. (2020) و Qian et al. (2023) بررسی شد. نتایج این مطالعات نشان داد که انتشار گازهای گلخانه ای در بخش کشاورزی بین سال های مختلف به طور میانگین ۱/۱ درصد رشد داشته است. نتایج مطالعه Florea et al. (2020) نیز نشان داد رابطه علی دوطرفه ای بین کشاورزی-

رشد اقتصادی و کشاورزی-انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد. رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در بنگلادش رشد هم‌زمان انتشار گازهای گلخانه‌ای را در پی داشته است. درحالی‌که رشد مصرف انرژی تجدیدپذیر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را به دنبال دارد. (Sharma *et al.* (2021) با استفاده از رگرسیون آستانه‌ای تأثیر مثبت کشاورزی در مراحل اولیه توسعه و پس از یک آستانه معین، تأثیر منفی آن را بر آلودگی محیط‌زیست گزارش کردند. Adedoyin *et al.* (2021) با استفاده از مجموعه اطلاعات از هفت کشور در حال توسعه و روش خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده پویا نشان دادند که یک واحد افزایش در سرانه تولید ناخالص داخلی انتشار آلودگی را بین ۰/۵۷-۰/۹۶ درصد در بلندمدت و ۰/۴۸-۰/۴۶ درصد در کوتاه مدت افزایش می‌دهد. افزایش مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در بلندمدت و کوتاه مدت کاهش انتشار کربن بین ۰/۰۷-۰/۰۴ درصدی را به دنبال دارد. (Hassan *et al.* (2022) در مطالعه خود تأکید کردند که کشاورزی یکی از منابع اصلی انتشار N_2O است و می‌توان انتشار آن را از طریق روش‌های خاک‌ورزی و آبیاری، مدیریت یکپارچه مواد مغذی و تناوب زراعی کاهش داد. (Safwan *et al.* (2024) نیز نشان داد در اکثر کشورهای اتحادیه اروپا کاهش قابل توجهی در انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش کشاورزی ثبت شد و بیشترین کاهش نیز به کشورهای آلمان و فرانسه مربوط است.

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر رشد بخش کشاورزی، مصرف انرژی، تجارت آزاد و رشد جمعیت بر میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌عنوان شاخصی از تغییرات اقلیم و گرمایش زمین برای کشورهای خاورمیانه طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ می‌پردازد. این منطقه به دلیل حساسیت‌های محیط زیستی و اقتصادی، به‌طور خاص تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارد. تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا فعالیت‌های کشاورزی در انتشار گازهای گلخانه‌ای و گرمایش زمین نقشی دارد؟ و آیا نظریه محیط زیستی کوزنتس برای کشورهای خاورمیانه تأیید می‌شود؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال از روش تحلیل داده‌های ترکیبی استفاده شد. مرور مطالعات مختلف نشان داد که در اکثر مطالعات گذشته از انتشار دی‌اکسید کربن به عنوان شاخص کیفیت محیط‌زیست استفاده شد. در این مطالعه تلاش شد تا علاوه بر میزان انتشار دی‌اکسید کربن، میزان انتشار متان و اکسید نیتروژن به‌عنوان دیگر گازهای گلخانه‌ای که منجر به گرمایش زمین و تغییر اقلیم می‌شود، موردتوجه قرار گیرد. این رویکرد جامع می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا استراتژی‌های مؤثرتری برای مدیریت تغییرات اقلیمی و ترویج توسعه پایدار در این منطقه طراحی کنند.

مواد و روش

هدف اصلی این مطالعه شناسایی روابط بین رشد بخش کشاورزی، مصرف انرژی، آزادسازی تجاری بر انتشار گازهای گلخانه‌ای است. بنابراین در این مطالعه از داده‌های ترکیبی کشورهای خاورمیانه^۱ برای سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۰ استفاده شد. انگیزه انتخاب کشورهای خاورمیانه این است که توجه کمی به این کشورها شده است و بیشتر مطالعات بر کشورهای توسعه‌یافته در اروپای مرکزی و یا به‌طور کلی اتحادیه اروپا متمرکز بوده است. استفاده از داده‌های ترکیبی باعث می‌شود تا تعداد مشاهدات و داده‌ها در آن‌ها عموماً بسیار بیشتر باشد و لذا اعتماد به برآوردها بیشتر شود. با این مجموعه داده‌ها می‌توان اثراتی را شناسایی و اندازه‌گیری کرد که در داده‌های مقطعی محض یا سری زمانی خالص قابل‌شناسایی نیست. گاهی استدلال می‌شود داده‌های مقطعی، رفتارهای بلندمدت را نشان می‌دهد (زیرا از افراد مختلف داده جمع‌آوری می‌کند که در یک برش زمانی، نشان‌دهنده رفتارهای بلندمدت آن‌هاست یا تحت تأثیر عادات و گرایش‌های بلندمدت قرار دارد)، درحالی‌که در داده‌های سری زمانی بر اثرات کوتاه‌مدت تأکید می‌شود (زیرا حرکت از یک سال به سال دیگر تحت تأثیر تجدید نظرانی قرار می‌گیرد که فرد در کوتاه‌مدت در رفتار خود ایجاد می‌کند، بنابراین پویایی میان‌دوره‌ای را به نمایش می‌گذارد و نه گرایش استاتیک یا ایستای داده‌های مقطعی را) با ترکیب این دو خصوصیت در داده‌های ترکیبی، که خصوصیت متمایز داده‌های ترکیبی است، ساختار عمومی‌تر و پویاتری را می‌توان تصریح و برآورد کرد (Al-mulali, 2012). رویکرد پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها از نوع کمی است.

از زمانی که Grossman and Krueger (1995) گزارش پیشگامانه بحث برانگیز خود را در مورد نظریه محیط زیستی کوزنتس منتشر کردند، تلاش‌های قابل توجهی برای بررسی اثرات محیط زیستی توسعه اقتصادی با این فرضیه اختصاص یافت. مدل پایه فرضیه محیط زیستی کوزنتس به صورت زیر نوشته می‌شود (Wang and He, 2019):

$$\ln E_{it} = \beta_0 + \beta_1 \ln Y_{it} + \beta_2 (\ln Y_{it})^2 + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

بر اساس فرضیه محیط زیستی کوزنتس، E_{it} میزان انتشار آلودگی در سال t برای منطقه i ، Y_{it} درآمد منطقه i در سال t است. شکل لگاریتمی این مدل می‌تواند نوسانات داده‌ها و تأثیر احتمالی ناهمسانی بین مناطق را کاهش دهد (Wang and He, 2019). همچنین تبدیل همه متغیرها به لگاریتم طبیعی این امکان را فراهم می‌کند تا ضرایب

^۱ کشورهای خاورمیانه شامل بحرین، مصر، ایران، عراق، فلسطین، اردن، کویت، لبنان، لیبی، عمان، عربستان، امارات، یمن، قطر و سوریه است.

تخمین زده شده به عنوان کشش تفسیر شود (Özokc & Özdemir, 2017). $\beta_1 > 0$ و $\beta_2 < 0$ نشان دهنده یک رابطه U شکل معکوس بین انتشار آلودگی و درآمد در کشورهای مورد بررسی است و اصطلاحاً فرضیه محیط زیستی کوزنتس برقرار است. نقطه عطف منحنی کوزنتس نیز به صورت $\frac{-\beta_1}{2\beta_2}$ تعریف می‌شود (Yao et al., 2019). در کنار متغیر درآمد، در مطالعات مختلف با توجه به اهداف مطالعه از متغیرهای توضیحی مختلفی بهره گرفته شد. در این مطالعه تلاش شد تا بر اساس مطالعه Florea et al. (2020) و Ghimire et al. (2021) از الگوی زیر استفاده شود:

$$GHG_{it} = f(AGR_{it}, AGR_{it}^2, TR_{it}, POP_{it}, ENC_{it}) \quad (2)$$

$$LNGHG_{it} = \alpha_i + \beta_1 \ln AGR_{it} + \beta_2 (\ln AGR_{it})^2 + \beta_3 \ln TR_{it} + \beta_4 \ln POP_{it} + \beta_5 \ln ENC_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

به طوری که GHG_{it} انتشار گازهای گلخانه‌ای (شامل CO_2 ، CH_4 و N_2O کیلو تن) برای کشور i در سال t ، AGR_{it} ارزش افزوده بخش کشاورزی بصورت درصدی از GDP به عنوان شاخصی از رشد بخش کشاورزی برای کشور i در سال t ، TR_{it} شاخص آزادسازی تجاری (نسبت ارزش واردات و صادرات به GDP) برای کشور i در سال t ، ENC_{it} مصرف انرژی به صورت سرانه (کیلوگرم نفت خام) برای کشور i در سال t و POP_{it} جمعیت برای کشور i در سال t است. به منظور بررسی رابطه بین رشد بخش کشاورزی و انتشار گازهای گلخانه‌ای مطابق با رابطه (۳) از فرم لگاریتمی متغیرها استفاده شد. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۰ از سایت بانک جهانی (World Bank, 2023) بر اساس سال پایه ۲۰۱۵، جمع آوری شد.

آزمون‌های ایستایی داده‌های ترکیبی

در این مطالعه از آزمون‌های لوین-لین و چو^۱ (LLC)، ایم پسران و شین^۲ (IPS) و فیشر^۳ (دیکی فولر تعمیم یافته) به منظور بررسی ایستایی متغیرها استفاده شد. فرضیه صفر برای این آزمون‌ها وجود ریشه واحد (نا ایستا) در سری موردنظر است.

هم‌جمعی داده‌های ترکیبی

¹ Levin, Lin & Chu

² Im, Pesaran, Shin

³ ADF-Fisher

بررسی وجود هم‌جمعی متغیرها در داده‌های ترکیبی نیز مانند داده‌های سری زمانی اهمیت دارد. زمانی که شواهدی مبنی بر وجود ریشه واحد در داده‌ها وجود داشته باشد، برای پرهیز از وقوع رگرسیون کاذب و نیز تعیین رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرها، روش هم‌جمعی می‌تواند مفید واقع شود. مهم‌ترین نکته در تجزیه و تحلیل‌های هم‌جمعی آن است که با وجود غیر ایستا بودن اغلب سری‌های زمانی و داشتن یک‌روند تصادفی افزایشی یا کاهشی در بلندمدت ممکن است که یک ترکیب خطی از این متغیرها همواره ایستا و بدون روند باشند. به عبارتی دیگر، در صورت صحیح بودن یک نظریه اقتصادی و ارتباط مجموعه‌ای از این متغیرها انتظار بر این است که ترکیبی از این متغیرها در بلندمدت ایستا و بدون روند باشند. آزمون‌های هم‌جمعی پانلی دارای قدرت و اعتبار بیشتری نسبت به آزمون‌های هم‌جمعی برای هر مقطع به صورت جداگانه است. این آزمون‌ها حتی در شرایطی که دوره زمانی کوتاه‌مدت و اندازه نمونه نیز کوچک باشد قابلیت استفاده را دارند (Maddala and Wu, 1999). به منظور وجود رابطه‌ی بلندمدت در میان متغیرها از آزمون هم‌جمعی انگل-گرانجر (Engle and Granger, 1987) استفاده می‌شود. این آزمون بر مبنای پسماندهای به دست آمده از یک رگرسیون کاذب است که رابطه میان متغیرهای $I(1)$ را برآورد می‌کند. در صورتی که پسماندهای به دست آمده در سطح ایستا باشند، می‌توان نتیجه که رابطه‌ی هم‌جمعی در میان متغیرها برقرار است و در صورتی که اجزای پسماند $I(1)$ باشند، رابطه‌ی هم‌جمعی وجود ندارد.

Pedroni (2004) در آزمون‌های هم‌جمعی امکان وجود اثرات ثابت و روندهای زمانی ناهمگن در بین مقاطع را بصورت رابطه زیر در نظر می‌گیرد:

$$y_{it} = \alpha_i + \delta_{it} + \beta_{1i} \chi_{1it} + \beta_{2i} \chi_{2it} \dots + \beta_{mi} \chi_{mit} + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

که در آن $i = 1, 2, \dots, N$ نشان دهنده کشورهای منتخب، $t = 1, 2, \dots, T$ اشاره به دوروی زمانی داشته و m به تعداد متغیرهای توضیحی اشاره دارد. α_i و δ_i امکان بررسی اثرات ثابت خاص بخش‌ها و همچنین روندهای معین را فراهم می‌سازند. ε_{it} پسماندهای حاصل از رابطه (4) می‌باشند. به منظور انجام آزمون هم‌جمعی، از پسماند رابطه بالا استفاده کرده و در ادامه خواهیم داشت:

$$\hat{\varepsilon}_{it} = \rho_i \hat{\varepsilon}_{it-1} + u_{it} \quad (5)$$

فروض انجام آزمون هم‌جمعی داده‌های پانلی به صورت زیر است:

$$\begin{aligned} H_0 : \rho &= 1 \\ H_1 : \rho &< 1 \end{aligned} \quad (6)$$

که فرضیه صفر بیانگر عدم وجود رابطه هم‌جمعی بین متغیرها در تمام مقاطع و فرضیه آلترناتیو نشان‌دهنده وجود هم‌جمعی بین متغیرهاست. پدرونی هفت آماره مختلف را در دو گروه متمایز جهت بررسی فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود بردار هم‌جمعی در مدل‌های پنل ناهمگن معرفی کرده است. گروه اول آزمون‌ها مشهور به درون‌گروهی^۱ است که عوامل زمانی را در نظر می‌گیرد. این گروه از آزمون‌ها امکان بررسی ناهمگنی در بین بخش‌ها را فراهم می‌آورد. این آماره‌ها بیانگر متوسط آماره آزمون‌های هم‌جمعی پانلی در طول مقاطع هستند. فرضیات این دسته از آماره‌ها برای تمام آنها به صورت زیر می‌باشد (Zoundi, 2017).

$$\begin{aligned} H_0 : \lambda_i &= 1 \\ H_1 : \lambda_i &= \lambda < 1 \end{aligned} \quad (7)$$

در این جا λ_i ها برای تمامی مقاطع ارزش یکسانی دارند و فروض انجام این آزمون به صورت (۵) است. گروه دوم آزمون‌های پدرونی، بین گروهی^۲ نام دارد. فرضیات این دسته از آماره‌ها برای تمام آنها به صورت رابطه (۶) می‌باشد. لازم به ذکر است که در این جا λ_i ها برای مقاطع مختلف دارای ارزشی یکسان نیستند و فرضیه صفر نیز بیان گر عدم وجود رابطه بلندمدت در میان متغیرها است.

$$\begin{aligned} H_0 : \lambda_i &= 1 \\ H_1 : \lambda_i &< 1 \end{aligned} \quad (8)$$

بر این اساس هفت آماره‌ای که پدرونی برای آزمون هم‌جمعی پنل به کاربرد عبارت‌اند از آماره‌های آزمون درون‌گروهی شامل:

۱-آماره -v پنل^۳، ۲-آماره -rho پنل^۴، ۳-آماره -pp پنل^۵، ۴-آماره -ADF پنل^۶

آماره‌های آزمون بین گروهی شامل:

¹. Within-Dimension

². Between-Dimension

³. Panel v-Statistic

⁴. Panel Phillips-Perron Type r-Statistics

⁵. Panel Phillips-Perron Type t-Statistic

⁶. Augmented Dickey-Fuller (ADF) Type t-Statistic

۱-آماره- rho گروهی^۱، ۲- آماره- pp گروهی^۲، ۳- آماره ADF گروهی^۳

هدف آزمون‌های هم‌جمعی پنل در نهایت پاسخ به این پرسش است که آیا رابطه‌ی بلندمدتی وجود دارد یا خیر؟ با فرض وجود هم‌جمعی پنل گام بعدی تخمین بردار هم‌جمعی پنل است. در سالیان اخیر رویکردهای محدودی برای تخمین بردار هم‌جمعی پنل‌ها مورد استفاده واقع شده است. رویکرد اول استفاده از روش حداقل مربعات اصلاح‌شده^۴ (FMOLS) است که توسط Pedroni (2004) برای تخمین روابط بلندمدت هم‌جمعی پنل معرفی شده است. روش دیگری که کمتر مورد استفاده واقع شده، روش حداقل مربعات معمولی پویا^۵ (DOLS) است که توسط Stock and Watson (2003) مطرح شده است که با اعمال تعدیلاتی در روش حداقل مربعات معمولی واکنش متغیر وابسته را نسبت به تغییرات متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار می‌دهد. از مهم‌ترین مزیت‌های این دو روش در مقایسه با دیگر تخمین زنده‌های بردار هم‌جمعی این است که در نمونه‌های کوچک نیز کاربرد داشته، از ایجاد تورش هم‌زمان جلوگیری می‌کند و از توزیع مجانبی نرمال برخوردار است. در این مطالعه برای بررسی اثرات متغیرهای توضیحی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای از روش FMOLS استفاده شد. همچنین با توجه به مطالعه Abrigo and Love (2016) و Love and Zicchino (2006) از مدل خود رگرسیون برداری (VAR) در قالب پنل دیتا برای آزمون روابط علی بین متغیرهای مورد مطالعه استفاده شده است. این مدل تلفیقی از مدل خود رگرسیونی برداری متعارف که تمامی متغیرها در این سیستم درونزا هستند، با روش پنل دیتا است. به منظور برآورد مدل از نرم افزار Eviews بهره گرفته شد.

نتایج

در این بخش ابتدا روند مجموع انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای خاورمیانه ارائه شد. همان‌طور که در نمودار (۱) پیدا است انتشار دی‌اکسید کربن در این منطقه روند صعودی داشته و از ۱۳۰۳/۶۳۶ مگاتن در ابتدای دوره مورد بررسی به ۲۸۶۰/۳۱۹ مگاتن در انتهای دوره می‌رسد. میانگین رشد سالانه این متغیر در دوره مورد مطالعه معادل ۴/۰۴ درصد بدست آمده است. میانگین سالانه میزان انتشار دی‌اکسید کربن برای کشورهای خاورمیانه (جدول ۱) حاکی از آن است که بیشترین میزان انتشار آلودگی برای ایران (معادل ۵۷۶/۱۰ مگاتن) و کمترین آن برای لبنان (۲۰/۷۴ مگاتن) بدست

¹. Group Phillips-Perron Type r -Statistic

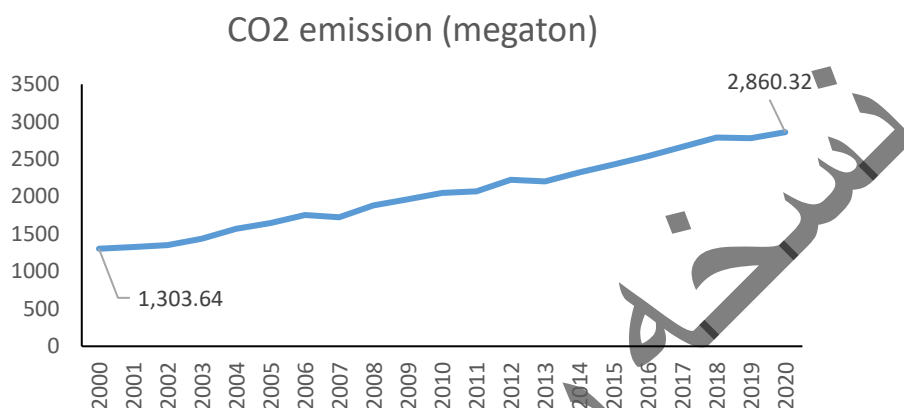
². Group Philips t-Statistic

³. Group ADF Type t-Statistic

⁴. Fully Modified Ordinary Least Squares

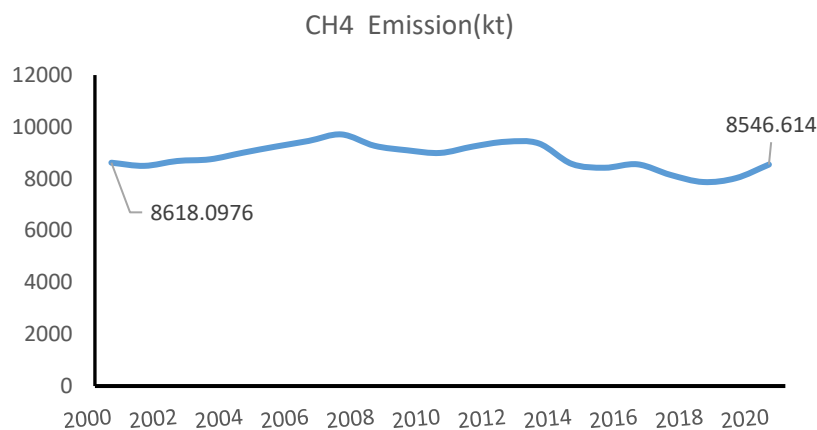
⁵. Dynamic Ordinary least Squares

آمده است. پس از ایران، عربستان با ۵۳/۵۱۰ مگاتن بیشترین میزان انتشار دی اکسیدکربن را به خود اختصاص داده است. پس از آن مصر با ۳۰/۱۹۲ مگاتن و امارات و عراق به ترتیب با ۴۰/۱۷۰ مگاتن و ۲۵/۱۳۸ مگاتن در رده‌های بعدی قرار دارند (World Bank, 2023).



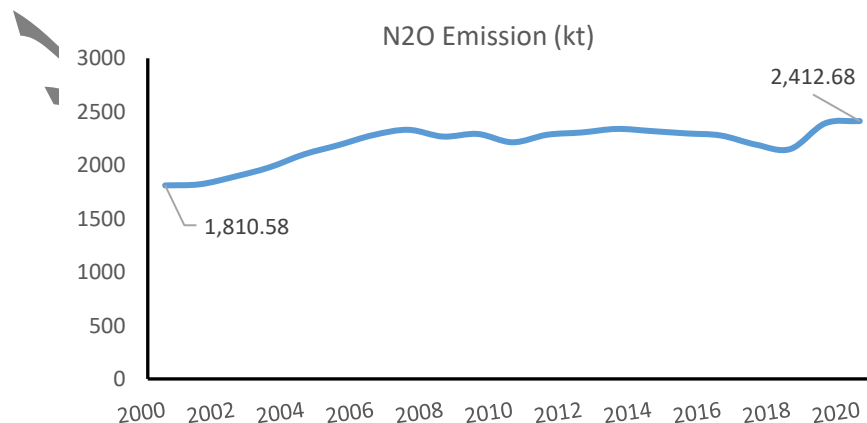
نمودار (۱) روند انتشار دی اکسید کربن در منطقه خاورمیانه (World Bank, 2023)

نمودار (۲) روند تغییرات مجموع انتشار گاز گلخانه‌ای متان (CH_4) است. همان‌طور که مشخص است در سال‌های ابتدایی این متغیر روند افزایشی را تجربه کرد. در ادامه همراه با نوساناتی بوده است. به‌طور جزئی‌تر میزان انتشار CH_4 در ابتدای دوره موردبررسی ۸۶۱۸ کیلوتن است که در انتهای دوره به ۸۵۴۶ کیلوتن می‌رسد. بیشترین میزان انتشار این نوع گاز در سال ۲۰۰۷ رقم خورده است (World Bank, 2023). میانگین تغییرات سالانه این متغیر نیز طی دوره موردبررسی ۱/۶۵ درصد محاسبه شد. نتایج نشان داد ایران با میانگین ۳۲۵۴ کیلوتن انتشار گاز متان در سال و مصر و یمن به ترتیب با ۲۵۳۰ کیلوتن و ۶۹۴ کیلوتن، در رده‌های اول تا سوم کشورهای آلوده‌کننده خاورمیانه قرار دارند. کمترین میزان انتشار این نوع گاز گلخانه‌ای برای کشورهای بحرین (۳/۳۷ کیلوتن) و کویت (۲۳/۳۱ کیلوتن) بدست آمده است (جدول ۱).



نمودار (۲) روند انتشار گاز متان در منطقه خاورمیانه (World Bank, 2023)

نمودار (۳) روند تغییرات انتشار گاز اکسید نیتروژن (N_2O) در منطقه خاورمیانه ارائه شد. بر اساس نتایج می‌توان بیان نمود که میزان انتشار این نوع گاز گلخانه‌ای در ابتدای دوره مورد مطالعه ۱۸۱۰ کیلو تن و در انتهای دوره معادل ۲۴۱۱ کیلو تن است. میانگین تغییرات سالانه انتشار گاز N_2O طی دوره مورد مطالعه معادل ۱/۵۱ درصد به‌دست‌آمده است. اطلاعات مستخرج از بانک جهانی (جدول ۱) نشان داد که میانگین انتشار سالانه این نوع گاز برای کشورهای یمن (۶۹۴ کیلو تن)، سوریه (۵۷۴ کیلو تن) و ایران (۲۹۶ کیلو تن) بیش از کشورهای دیگر است. مصر با ۲۵۱ کیلو تن و امارات با ۱۶۱ کیلو تن انتشار در سال در رده‌های بعدی قرار دارند. بحرین با ۰/۶۸ کیلو تن و کویت با ۴/۷۷ کیلو تن جزو کشورهای با کمترین میزان انتشار محسوب می‌شوند (World Bank, 2023).



نمودار (۳) روند انتشار گاز N_2O در منطقه خاورمیانه (World Bank, 2023)

در جدول (۱) میانگین متغیرهای بکار رفته در این مطالعه برای کشورهای خاورمیانه ارائه شد. همانطور که ملاحظه می‌شود کشورهای قطر، بحرین و کویت از نظر میزان مصرف انرژی رده‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. به طور جزئی‌تر متوسط مصرف سرانه انرژی در سال در این کشورها به ترتیب ۱۷۴۷۱ کیلوگرم نفت خام، ۱۰۸۵۵ کیلوگرم نفت خام و ۱۰۰۹۸ کیلوگرم نفت خام است. ایران از نظر سرانه مصرف انرژی با ۲۷۰۵ کیلوگرم نفت خام در بین این کشور رتبه ۹ را دارد. بررسی ارزش افزوده بخش کشاورزی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورها نیز نشان داد که میانگین سالانه این متغیر برای یمن، مصر و ایران بیشتر از کشورهای دیگر است. بحرین، امارات و اردن نیز از نظر شاخص آزادسازی تجاری در وضعیت بهتری نسبت به سایر کشورها قرار دارند.

جدول (۱) میانگین متغیرهای مورد مطالعه برای کشورهای خاورمیانه طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰

کشور	انرژی	جمعیت	آزاد سازی	CO_2	CH_4	N_2O	ارزش افزوده
(کیلوگرم نفت خام)	(میلیون نفر)	(%)	(مگاتن)	(کیلو تن)	(کیلو تن)	بخش	از
						کشاورزی %	GDP
بحرین	۱۰۸۵۵	۱/۱۲	۱/۴۷	۲۷/۲۳	۳/۳۷	۰/۶۸	۰/۴۶
مصر	۸۱۷	۸۲/۲۷	۰/۴۸	۱۹۲/۳۰	۲۵۳۰/۵۰	۲۵۱/۷۴	۱۲/۸۵
ایران	۲۷۰۵	۷۳/۲۴	۰/۴۷	۵۷۶/۱۰	۳۲۵۴/۹۳	۲۹۶/۷۴	۸/۳۷
عراق	۱۲۲۷	۳۰/۱۲	۰/۹۲	۱۳۸/۲۵	۶۱۷/۳۹	۵۹/۶۹	۵/۲۱
فلسطین	۲۸۸۱	۷/۵۲	۰/۶۹	۶۵/۱۲	۸۴/۰۸	۱۵/۵۲	۱/۶۳
اردن	۹۹۲	۷/۲۲	۱/۱۶	۲۳/۲۸	۷۹/۱۱	۹/۲۷	۳/۳۲
کویت	۱۰۰۹۸	۲/۹۵	۰/۹۳	۸۶/۷۲	۲۳/۳۱	۴/۷۷	۰/۳۹
لبنان	۱۱۹۳	۵/۲۴	۰/۷۹	۲۰/۷۴	۳۶/۵۶	۸/۱۶	۴/۱۰
لیبی	۲۹۳۷	۶/۰۶	۰/۹۶	۵۴/۴۹	۲۳۲/۳۲	۲۱/۰۴	۲/۹۴

عمان	۵۵۱۷	۳/۲۱	۰/۹۸	۵۴/۴۹	۱۳۲/۳۷	۹/۳۸	۱/۶۹
عربستان	۶۱۱۷	۲۶/۹۵	۰/۷۷	۵۱۰/۵۳	۴۱۲/۲۸	۶۲/۳۷	۳/۱۱
امارات	۸۶۰۶	۶/۹۲	۱/۳۹	۱۷۰/۴۰	۱۶۱/۶۴	۱۶۱/۶۴	۱/۱۲
یمن	۳۲۰	۲۲/۶۹	۰/۲۷	۲۱/۶۹	۶۹۴/۳۲	۶۹۴/۳۲	۱۶/۲۵
قطر	۱۷۴۷۱	۱/۶۴	۰/۹۳	۶۱/۲۹	۲۷/۴۲	۲۷/۴۲	۰/۱۸
سوریه	۸۷۴	۱۸/۷۰	۰/۶۱	۴۲/۹۷	۵۷۴/۸۷	۵۷۴/۸۷	۲۶/۸۹

مأخذ: بانک جهانی (Worl Bank, 2023) - سال پایه ۲۰۱۵

در ادامه نتایج ایستایی متغیرهای موردبررسی در جدول (۲) گزارش شد. نتایج ایستایی نشان داد تمامی متغیرهای موردبررسی با یکبار تفاضل گیری ایستا هستند.

جدول (۲) نتایج آزمون ایستایی متغیرهای موردبررسی

متغیرها	لوین-لین و چو	ایم-پسران و شین	ADF فیشر	وضعیت ایستایی
لگاریتم انتشار CO ₂	-7.02*** (0.00)	-6.57*** (0.00)	96.48*** (0.00)	I(1)
لگاریتم انتشار CH ₄	-8.52*** (0.00)	-6.32*** (0.00)	92.36*** (0.00)	I(1)
لگاریتم انتشار N ₂ O	-6.01*** (0.00)	-5.64*** (0.00)	87.26*** (0.00)	I(1)
لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی	-0.24 (0.40)	-3.26*** (0.00)	56.91*** (0.00)	I(1)
لگاریتم مصرف انرژی سرانه	-4.72*** (0.00)	-3.93*** (0.00)	64.68*** (0.00)	I(1)
لگاریتم آزادسازی تجاری	-7.30*** (0.00)	-5.41*** (0.00)	82.32*** (0.00)	I(1)
لگاریتم جمعیت	-18.09***	-16.36***	212.28***	I(1)

(0.00)

(0.00)

(0.00)

مأخذ: یافته‌های تحقیق (***معنی‌داری در سطح ۱ درصد می‌باشد).

نتایج ایستایی متغیرها نشان داد که شک وجود رگرسیون کاذب قابل تأیید بوده و نیاز به بررسی رابطه بین متغیرها می‌باشد؛ برای این منظور به ارائه نتایج آزمون هم‌جمعی پانل بر اساس آماره‌های پدرونی و کائو پرداخته شد. آزمون پدرونی به ترتیب برای سه حالت با عرض از مبدأ، با عرض از مبدأ و روند، بدون عرض از مبدأ و روند مورد بررسی قرار گرفت. چنان‌چه بیشتر آماره‌های این آزمون معنی‌دار باشند، می‌توان فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود بردار هم‌جمعی را رد کرد. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد برای سه مدل موردمطالعه از بین چهار آماره درون‌گروهی، آماره‌های PP تلفیقی، ADF تلفیقی در سه مدل در حالت‌های با عرض از مبدأ، با عرض از مبدأ و روند، بدون عرض از مبدأ و روند در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشند. همچنین از بین سه آماره بین‌گروهی، دو آماره PP گروهی و ADF گروهی نیز برای سه حالت با عرض از مبدأ، با عرض از مبدأ و روند، بدون عرض از مبدأ و روند در سطح یک درصد معنی‌دار است. بنابراین از بین هفت آماره‌ی آزمون هم‌جمعی پدرونی، چهار آماره وجود رابطه بلندمدت را برای تأیید می‌کنند.

جدول (۳) نتایج آزمون هم‌جمعی پدرونی

آماره آزمون	مدل اول			مدل دوم			مدل سوم		
	$CO2_{it} = f(AGR_{it}, TR_{it}, POP_{it}, ENC_{it})$			$CH4_{it} = f(AGR_{it}, TR_{it}, POP_{it}, ENC_{it})$			$N2O_{it} = f(AGR_{it}, TR_{it}, POP_{it}, ENC_{it})$		
	با عرض از	با عرض از	بدون عرض	با عرض از	با عرض از	بدون عرض	با عرض از	با عرض از	بدون عرض
	مبدأ	مبدأ و روند	از مبدأ و روند	مبدأ و روند	مبدأ و روند	از مبدأ و روند	مبدأ و روند	مبدأ و روند	از مبدأ و روند
آماره - V	-0.26	-0.58	-1.43	-0.25	-1.63	-0.70	-0.61	-2.54	-0.78
تلفیقی	(0.60)	(0.72)	(0.92)	(0.60)	(0.94)	(0.75)	(0.73)	(0.99)	(0.78)
آماره - RHO	0.91	1.71	-1.11	-0.07	0.86	0.07	0.93	2.34	0.60
تلفیقی	(0.81)	(0.95)	(0.86)	(0.46)	(0.80)	(0.53)	(0.82)	(0.99)	(0.72)
آماره - PP	-3.56***	-7.24***	-1.10	-6.20***	-8.32***	-2.78***	-5.13***	-5.27***	-2.46***
تلفیقی	(0.00)	(0.00)	(0.13)	(0.00)	(0.00)	(0.00)	(0.00)	(0.00)	(0.00)

آماره- ADF	-0.05	-3.57***	0.28	-2.73***	-1.99**	-1.01	-3.94***	-3.58***	-1.89***
	(0.47)	(0.00)	(0.61)	(0.00)	(0.02)	(0.15)	(0.00)	(0.00)	(0.00)
تلفیقی									
آماره- RHO	2.35	3.63	3.04	2.16	3.74	2.54	2.25	3.63	2.61
	(0.99)	(0.99)	(0.99)	(0.98)	(0.99)	(0.99)	(0.98)	(0.99)	(0.99)
گروهی									
آماره- PP	-4.51***	-8.76***	-0.95	-4.65***	-10.8***	-0.35	-9.46***	-10.67***	-3.63***
	(0.00)	(0.00)	(0.17)	(0.00)	(0.00)	(0.35)	(0.00)	(0.00)	(0.00)
گروهی									
آماره- ADF	-0.83	-2.59***	-1.09	-2.49***	-2.84***	-0.15	-5.92***	-4.34***	-2.38***
	(0.20)	(0.00)	(0.13)	(0.00)	(0.00)	(0.43)	(0.00)	(0.00)	(0.00)
گروهی									

مأخذ: یافته‌های تحقیق (*، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد می‌باشد).

نتایج آماره کائو در جدول (۴) نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود بردار هم‌جمعی برای سه مدل مورد بررسی در سطح معنی‌داری قابل قبولی رد می‌شود. به‌طور کلی نتایج آزمون هم‌جمعی پدرونی و کائو نشان می‌دهد که میان متغیرهای انتشار گازهای گلخانه‌ای، فعالیت‌های کشاورزی، مصرف انرژی، تجارت و جمعیت رابطه بلندمدت وجود دارد.

جدول (۴) نتایج آزمون هم‌جمعی کائو

آماره	آزمون کائو
-5.68*** (0.00)	مدل اول $CO2_{it} = f(AGR_{it}, TR_{it}, POP_{it}, ENC_{it})$
-1.81** (0.03)	مدل دوم $CH4_{it} = f(AGR_{it}, TR_{it}, POP_{it}, ENC_{it})$
-3.16*** (0.00)	مدل سوم $N2O_{it} = f(AGR_{it}, TR_{it}, POP_{it}, ENC_{it})$

مأخذ: یافته‌های تحقیق (*، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد می‌باشد).

نتایج تخمین رابطه بلندمدت عوامل موثر بر انتشار دی‌اکسید کربن در جدول (۵) گزارش شد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضریب برآوردی تمامی متغیرهای توضیحی در سطح قابل قبولی معنی‌دار هستند. ضریب برآوردی متغیر لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی مثبت و برابر ۰/۰۶۱ و ضریب برآوردی توان دوم این متغیر ۰/۱۷- بدست آمد. علامت مثبت ضریب متغیر لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی و علامت منفی توان دوم آن بیانگر پذیرش فرضیه کوزنتس در

مطالعه حاضر است. بر اساس ضرایب بدست آمده می‌توان بیان نمود که تا سطح ۲۲۷۵/۱۶ میلیون دلار ارزش افزوده بخش کشاورزی در کشورهای خاورمیانه، انتشار دی اکسید کربن افزایش می‌یابد و به حداکثر خود می‌رسد. در ادامه مسائل محیط زیستی از اهمیت بیشتری برخوردار شده و انتشار آلودگی کاهش می‌یابد. نتایج مطالعات Reynolds et al. (2015) و Ullah et al. (2018) نیز نشان داد که تولید محصولات کشاورزی بخصوص غلات تاثیر مثبتی بر انتشار دی اکسید کربن دارد. به نحوی که با افزایش ۱ درصدی در تولید این محصولات می‌توان انتظار داشت که انتشار دی اکسید کربن ۰/۰۳ درصد افزایش یابد. تولید و استفاده از کودهای شیمیایی به منظور بهبود تولید در این بخش فرآیندی انرژی بر است که خود منجر به انتشار CO₂ می‌شود. ماشین‌آلات کشاورزی نیز از سوخت فسیلی استفاده می‌کنند که در فرآیند احتراق، CO₂ آزاد می‌کنند. رشد بخش کشاورزی و افزایش سطح زیرکشت، نیاز به ماشین‌آلات بیشتر را به دنبال دارد و در نتیجه انتشار گازهای گلخانه‌ای افزایش می‌یابد. همچنین یکی دیگر از عوامل تشدیدکننده انتشار آلودگی، تبدیل جنگل و مراتع به زمین‌های کشاورزی، است که به معنای از بین رفتن پوشش‌های گیاهی که جذب‌کننده دی اکسید کربن هستند، می‌باشد. اگرچه بخش کشاورزی می‌تواند کربن را در خاک ذخیره کند و از طریق فتوسنتز CO₂ جذب کند، اما در صورت عدم مدیریت صحیح و پایدار، اثر خالص آن بر انتشار گازهای گلخانه‌ای مثبت خواهد شد. نتایج همچنین حاکی از وجود رابطه مثبت بین انتشار گاز دی اکسید کربن و آزادسازی تجاری است. به طور جزئی تر با افزایش ۱ درصد در شاخص آزادسازی تجاری، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، میزان انتشار آلودگی ۰/۰۷۲ درصد افزایش می‌یابد. نتایج مطالعه Ashraf et al. (2023) نشان داد که آزادسازی تجاری منجر به افزایش انتشار دی اکسید کربن برای کشورهای بریک شده است. در مقابل Pan et al. (2023) در مطالعه خود نشان دادند که افزایش تجارت منجر به کاهش انتشار دی اکسید کربن و کاهش تجارت منجر به افزایش انتشار دی اکسید کربن در پاکستان شده است. آزادسازی تجاری معمولاً با رشد اقتصادی همراه است. این رشد اقتصادی اغلب منجر به صنعتی شدن و افزایش تولید در بخش‌های انرژی بر می‌شود. از سوی دیگر واردات کالاهای تولیدی با شدت انرژی بالا، مصرف انرژی را بالا می‌برد. این افزایش مصرف انرژی به‌ویژه اگر از طریق سوخت‌های فسیلی تأمین شود مستقیماً به افزایش انتشار CO₂ منجر خواهد شد. در برخی کشورهای خاورمیانه، وابستگی اقتصادی به منابع طبیعی (مانند نفت و گاز) زیاد است. آزادسازی تجاری در این کشورها ممکن است باعث افزایش تمرکز بر صادرات منابع طبیعی شود و به این ترتیب، ساختار اقتصادی متنوع‌تری به وجود نیاید. این تمرکز بر صادرات منابع طبیعی می‌تواند انتشار دی اکسید کربن را افزایش دهد، چراکه استخراج،

تصفیه و حمل و نقل منابع طبیعی به مصرف انرژی زیاد و انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر می‌شود. ضریب برآوردی متغیر جمعیت نیز معادل ۱/۰۶۶ درصد است. بنابراین افزایش یک درصدی در جمعیت کشورهای خاورمیانه منجر به افزایش ۱/۰۶۶ درصدی انتشار گاز دی‌اکسید کربن می‌شود. افزایش جمعیت به معنای افزایش تقاضا برای انرژی است. افزایش تقاضا چه برای مصارف خانگی، چه برای حمل و نقل و چه برای فعالیت‌های صنعتی نیاز به تولید بیشتر انرژی دارد که در این گروه از کشورها بیشتر از منابع فسیلی تأمین می‌شود. همچنین رشد جمعیت نیاز به توسعه زیرساخت‌ها مانند مسکن، جاده‌ها، فرودگاه‌ها و تأسیسات شهری را افزایش می‌دهد. ساخت و نگهداری این زیرساخت‌ها مصرف انرژی و انتشار دی‌اکسید کربن را به دنبال دارد. در نهایت رابطه بین میزان مصرف انرژی و انتشار CO₂ در کشورهای مورد بررسی مثبت ارزیابی شد. لذا انتظار می‌رود با افزایش ۱ درصدی در میزان مصرف انرژی در کشورهای خاورمیانه، میزان آلودگی محیط زیست ۰/۶۰۴ درصد رشد می‌کند. نتایج مطالعه (Li et al. (2023) برای ۵ کشور برتر منتشرکننده دی‌اکسید کربن نشان داد که همبستگی بالایی بین مصرف انرژی و انتشار آلودگی وجود دارد.

جدول (۵) نتایج تخمین روابط بلندمدت عوامل مؤثر بر انتشار گاز دی‌اکسید کربن (FMOLS)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	Prob
LNAGR	0.061*	0.032	0.065
LNAGR ²	-0.17***	0.047	0.000
LNTR	0.072**	0.032	0.026
LNPOP	1.066***	0.001	0.000
LNENC	0.604***	0.006	0.000
R ²		0.97	

مأخذ: یافته‌های تحقیق (*، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد می‌باشد).

نتایج مربوط به عوامل مؤثر بر انتشار گاز متان در کشورهای خاورمیانه در جدول (۶) گزارش شد. بر اساس نتایج، رابطه بین افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی و انتشار گاز متان در کشورهای مورد مطالعه مثبت است. علامت ضریب برآوردی توان دوم لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی نیز منفی است. با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان بیان نمود که فرضیه محیطی زیستی کوزنتس برای کشورهای مورد مطالعه صادق است. نتایج محاسبه نقطه عطف منحنی انتشار گاز متان نیز برای کشورهای خاورمیانه نشان داد تا سطح ۸۹۰۵/۰۲ میلیون دلار ارزش افزوده بخش کشاورزی، روند انتشار گاز

گلخانه‌ای روند صعودی داشته و به حداکثر خود می‌رسد. پس از آن نیز همراه با اهمیت بیشتر مسائل کیفیت محیط زیست، رشد بخش کشاورزی با کاهش انتشار گاز متان همراه است. نتایج مطالعه Qian et al. (2023) نشان داد که ۴۸ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای مربوط به زمین‌های زراعی است و افزودن مواد آلی و غرقاب مداوم شالیزارها هر دو از منابع انتشار متان هستند. توسعه بخش کشاورزی به چند دلیل مهم می‌تواند منجر به افزایش انتشار گاز متان در جو شود. دامداری‌ها مهم‌ترین منبع انتشار متان در کشاورزی است. رشد بخش دامداری، به‌ویژه پرورش دام‌های صنعتی، به افزایش قابل‌توجه انتشار متان در جو می‌انجامد. کشت برنج در شالیزار نیز شرایط مناسبی را برای رشد باکتری‌های متانوزن فراهم می‌کند. این باکتری‌ها در محیط‌های غرقابی و بدون اکسیژن، متان تولید می‌کند. همچنین کودهای حیوانی حاوی مقادیر زیادی مواد آلی هستند که در صورت تجزیه در شرایط بی‌هوازی (بدون اکسیژن)، متان تولید می‌کنند. اگر این کودها به‌طور مناسب مدیریت نشوند می‌توانند منبع مهمی از انتشار متان باشند. متان یک گاز گلخانه‌ای بسیار قوی است. اگرچه عمر آن در جو کوتاه‌تر از دی‌اکسید کربن است (حدود ۱۲ سال در مقابل صدها سال برای CO₂)، اما توانایی آن در جذب گرما بسیار بیشتر از دی‌اکسید کربن است. بنابراین افزایش انتشار متان از فعالیت‌های کشاورزی به گرمایش جهانی و تغییر اقلیم کمک می‌کند. لذا کاهش انتشار متان از بخش کشاورزی یکی از راهکارهای مهم مبارزه با تغییر اقلیم است که می‌تواند از طریق بهبود مدیریت دامداری‌ها، استفاده از روش‌های کشت برنج با انتشار کمتر متان، مدیریت بهتر کودهای حیوانی و مدیریت پسماندهای کشاورزی انجام شود. ضریب برآوردی متغیر تجارت در مدل موردنظر مثبت اما در سطح قابل قبولی معنی‌دار نشده است. ضریب برآوردی متغیر جمعیت و انرژی نیز به ترتیب معادل ۰/۷۱۱ و ۰/۲۱۸ درصد بدست آمد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با افزایش ۱ درصد در جمعیت و مصرف انرژی در این کشورها، انتشار گاز متان به ترتیب معادل ۰/۷۱۱+ درصد و ۰/۲۱۸+ درصد تغییر کند. به‌طور کلی انتظار می‌رود که در اکثر کشورهای خاورمیانه، رابطه بین مصرف انرژی و انتشار متان مثبت باشد. نتایج مطالعه Guo et al. (2024) نشان داد با افزایش مصرف نفت و واردات گاز طبیعی در چین میزان انتشار متان افزایش یافته است. کاهش نسبی انتشار متان با افزایش مصرف انرژی تنها در شرایطی خاص مانند جایگزین سوخت‌های فسیلی با منابع انرژی کم‌کربن، انرژی‌های تجدیدپذیر و بهبود قابل‌توجه راندمان انرژی محقق خواهد شد.

جدول (۶) نتایج تخمین روابط بلندمدت عوامل مؤثر بر انتشار گاز متان (FMOLS)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	Prob
LNAGR	0.130***	0.037	0.000
LNAGR ²	-0.085***	0.013	0.000
LNTR	0.051	0.060	0.404
LNPOP	0.711***	0.049	0.000
LNENC	0.218***	0.072	0.000
R ²		0.99	

مأخذ: یافته‌های تحقیق (*، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد می‌باشد).

در نهایت نتایج عوامل مؤثر بر انتشار گاز اکسید نیتروژن در کشورهای خاورمیانه در جدول (۷) گزارش شد. ضریب برآوردی متغیر لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی مثبت و بیانگر افزایش انتشار این نوع گاز گلخانه‌ای در نتیجه رشد بخش کشاورزی است. نتایج مطالعه Yusuf *et al.* (2020) حاکی از تأثیر مثبت رشد اقتصادی بر انتشار CO₂ و متان در بلندمدت است. نتایج مطالعه Hassan *et al.* (2022) نیز حاکی از تأثیر مثبت فعالیت‌های کشاورزی بر انتشار آلودگی است. تأثیر این متغیر بر انتشار اکسید نیتروژن اگرچه مثبت است اما از نظر آماری ناچیز بود. افزایش انتشار کسید نیتروژن در نتیجه توسعه بخش کشاورزی در کشورهای خاورمیانه عمدتاً به استفاده از کودهای نیتروژنی و مدیریت نامناسب کودهای حیوانی مرتبط است. کودهای نیتروژنی که برای افزایش بهره‌وری کشاورزی به‌طور گسترده استفاده می‌شوند، منبع اصلی انتشار N₂O هستند. گیاهان تنها بخشی از نیتروژن موجود در کود را جذب می‌کنند. بخش باقیمانده می‌تواند به اشکال مختلف از جمله اکسید نیتروژن به اتمسفر آزاد شود. این فرایند می‌تواند از طریق فرآیندهای میکروبی در خاک اتفاق بیفتد، به‌ویژه در شرایطی که خاک به‌خوبی زهکشی نشده و دارای رطوبت زیاد باشد. آبیاری بیش‌ازحد نیز می‌تواند منجر به شرایط بی‌هوایی در خاک شود که به نوبه خود، تولید و انتشار N₂O افزایش می‌دهد. انتشار این نوع گاز می‌تواند منجر به جذب گرما، تغییر در الگوی بارش و از دست رفتن تنوع زیستی و اختلال در زنجیره‌های غذایی شود. با توجه علامت ضرایب متغیر لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی و مجذور این متغیر می‌توان ادعا نمود که فرضیه محیط زیستی کوزنتس در این شرایط نیز برای کشورهای خاورمیانه مورد تأیید است. با توجه به محاسبه نقطه عطف انتشار آلودگی برای گاز گلخانه‌ای مورد نظر، می‌توان بیان نمود که میزان انتشار گاز اکسید نیتروژن در مقایسه با گاز متان و دی اکسید کربن در سطح بالاتری از ارزش افزوده بخش کشاورزی کشورهای مورد مطالعه

(۱۰۵۴۷/۶ میلیون دلار) به حداکثر خود می‌رسد و سپس کاهش می‌یابد. ضریب برآوردی متغیر آزادسازی تجاری مثبت و معادل ۰/۱۳۱ است. این ضریب نشان می‌دهد با افزایش یک درصد در شاخص آزادسازی تجاری، انتشار آلودگی در کشورهای خاورمیانه افزایش یافته است. رشد جمعیت نیز تأثیر مثبتی بر انتشار اکسید نیتروژن دارد. این در حالی است که افزایش مصرف انرژی در این کشورها کاهش انتشار N_2O را به دنبال داشته است. اگر افزایش مصرف انرژی از منابعی تأمین شود که در مقایسه با منابع فسیلی، انتشار N_2O کمتری داشته باشند، ضریب منفی می‌تواند نتیجه‌ی این جایگزینی باشد. همچنین اگر افزایش مصرف انرژی هم‌زمان با بهبود روش کشاورزی و مدیریت کودهای نیتروژنی باشد، می‌تواند اثر منفی بر انتشار این نوع گاز داشته باشد. نتایج مطالعه Yusuf et al. (2020) نشان داد در بلندمدت مصرف انرژی تأثیر مثبتی بر انتشار CO_2 ، متان و اکسید نیتروژن دارد اما در کوتاه‌مدت اثر آن ناچیز است.

جدول (۷) تخمین روابط بلندمدت عوامل مؤثر بر انتشار گاز اکسید نیتروژن (FMOLS)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	Prob
LNAGR	0.109***	0.039	0.000
LNAGR ²	-0.065***	0.014	0.000
LNTR	0.131**	0.063	0.041
LNPOP	0.754***	0.052	0.000
LNENC	-0.174**	0.076	0.023
R ²		0.99	

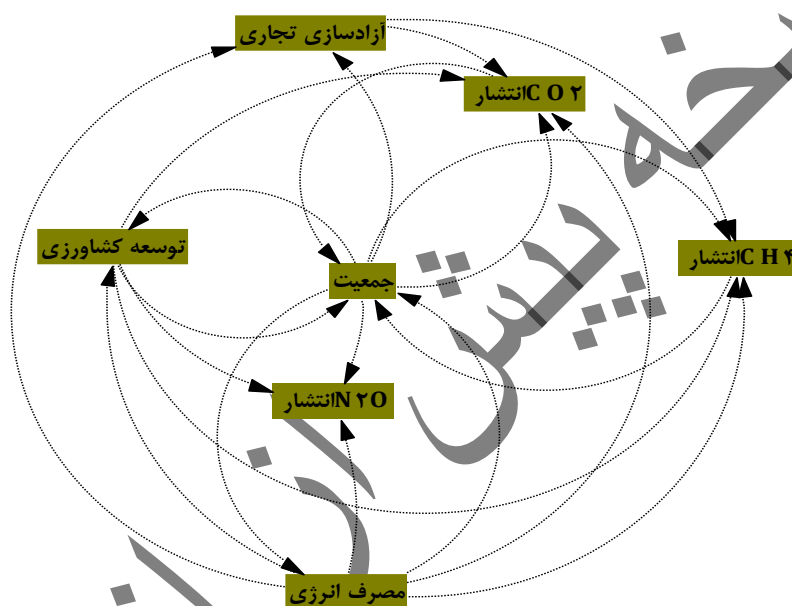
مأخذ: یافته‌های تحقیق (*، ** و *** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد می‌باشد).

درنهایت بررسی رابطه علی بین متغیرهای موردبررسی حاکی از وجود رابطه علی دوطرفه بین جمعیت با انتشار دی‌اکسید کربن، انتشار متان، مصرف انرژی و توسعه کشاورزی است. همچنین یک رابطه علی یک‌طرفه از جمعیت به آزادسازی تجاری، آزادسازی تجاری به انتشار متان، مصرف انرژی به انتشار متان، جمعیت به انتشار اکسید نیتروژن و مصرف انرژی به توسعه کشاورزی در مطالعه حاضر مشاهده شد. شکل (۱) رابطه علی-معلولی بین متغیرهای موردبررسی را بر اساس نتایج جدول (۸) برای کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد.

جدول (۸) نتایج بررسی رابطه علی بین متغیرهای موردبررسی

نتیجه	Prob	F-Statistic	علیت گرانشجری
رد	0.045	3.13**	LNENC does not Granger Cause LNCO2
پذیرش	0.39	0.93	LNCO2 does not Granger Cause LNENC
رد	0.009	4.78***	LNPOP does not Granger Cause LNCO2
رد	0.016	4.14**	LNCO2 does not Granger Cause LNPOP
رد	0.074	2.62*	LNTR does not Granger Cause LNCO2
پذیرش	0.741	0.30	LNCO2 does not Granger Cause LNTR
رد	0.050	2.98**	LNAGR does not Granger Cause LNCO2
پذیرش	0.287	1.25	LNCO2 does not Granger Cause LNAGR
رد	0.098	0.51*	LNENC does not Granger Cause LNCH4
پذیرش	0.421	0.86	LNCH4 does not Granger Cause LNENC
رد	0.069	2.69*	LNPOP does not Granger Cause LNCH4
رد	0.001	6.49***	LNCH4 does not Granger Cause LNPOP
رد	0.061	2.82*	LNTR does not Granger Cause LNCH4
پذیرش	0.749	0.28	LNCH4 does not Granger Cause LNTR
رد	0.064	1.88*	LNAGR does not Granger Cause LNCH4
پذیرش	0.285	1.25	LNCH4 does not Granger Cause LNAGR
پذیرش	0.836	0.17	LNN2O does not Granger Cause LNENC
رد	0.042	1.21**	LNENC does not Granger Cause LNN2O
رد	0.095	2.37*	LNPOP does not Granger Cause LNENC
رد	0.050	2.86**	LNENC does not Granger Cause LNPOP
پذیرش	0.233	1.46	LNTR does not Granger Cause LNENC
رد	0.030	3.54**	LNENC does not Granger Cause LNTR
پذیرش	0.739	0.30	LNAGR does not Granger Cause LNENC
رد	0.010	4.61**	LNENC does not Granger Cause LNAGR
رد	0.080	2.55*	LNPOP does not Granger Cause LNN2O
پذیرش	0.474	0.74	LNN2O does not Granger Cause LNPOP
رد	0.040	3.24**	LNTR does not Granger Cause LNN2O
پذیرش	0.647	0.43	LNN2O does not Granger Cause LNTR
رد	0.001	1.97***	LNAGR does not Granger Cause LNN2O

پذیرش	0.265	1.33	LNN2O does not Granger Cause LNAGR
پذیرش	0.205	1.59	LNTR does not Granger Cause LNPOP
رد	0.032	3.47**	LNPOP does not Granger Cause LNTR
رد	0.002	6.37***	LNAGR does not Granger Cause LNPOP
رد	0.059	2.85*	LNPOP does not Granger Cause LNAGR
پذیرش	0.152	1.89	LNAGR does not Granger Cause LNTR
پذیرش	0.400	0.919	LNTR does not Granger Cause LNAGR



شکل (۱) رابطه علی-معلولی بین متغیرهای مورد بررسی بر اساس نتایج علیت گرانجری

نتیجه گیری و پیشنهادها

مطالعه و بررسی اثرات عوامل مؤثر بر انتشار گازهای گلخانه‌ای از اهمیت حیاتی برای مقابله با تغییرات اقلیمی برخوردار است. درک دقیق این عوامل، چه طبیعی و چه انسانی، برای تدوین سیاست‌های مؤثر کاهش انتشار و اتخاذ اقدامات مناسب در جهت کاهش اثرات گرمایش زمین ضروری است. با شناسایی عوامل مؤثر، می‌توان استراتژی‌های کاهش انتشار را به‌طور هدفمند طراحی کرد و تأثیرگذاری آن‌ها را به‌طور دقیق ارزیابی نمود. بدون این مطالعات، تلاش‌ها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌تواند ناکارآمد و پراکنده باشد. بنابراین در این مطالعه تلاش شد تا عوامل مؤثر بر انتشار گازهای گلخانه‌ای (CO_2 ، CH_4 و N_2O) با تأکید بر رشد بخش کشاورزی و مصرف انرژی در کشورهای خاورمیانه

بررسی شود. برای دستیابی به هدف مطالعه از داده‌های ترکیبی برای ۱۵ کشور منطقه خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۰۰ و متدلوژی پنل هم‌جمعی استفاده شد. مطالعه اثرات رشد بخش کشاورزی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا بخش کشاورزی یکی از منابع اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای مانند متان و اکسید نیتروژن، به‌ویژه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، است. بررسی داده‌های جمع‌آوری شده حاکی از آن است که میزان انتشار آلودگی گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای ایران، عربستان و مصر بیش از کشورهای دیگر منطقه است. بررسی آمار جمعیت این کشورها نیز نشان داد که مصر، ایران، عراق و عربستان از نظر جمعیت در رتبه‌های اول تا چهارم کشورهای خاورمیانه قرار دارند. از نظر سرانه مصرف انرژی نیز ایران رتبه نهم، عربستان رتبه پنجم و مصر رتبه چهاردهم را در بین ۱۵ کشور خاورمیانه داراست. میانگین ارزش افزوده بخش کشاورزی (بصورت % از GDP) این کشورها طی دوره مورد مطالعه نیز به ترتیب ۸/۳۷، ۳/۱۰ و ۱۲/۸۵ درصد تعیین شد. برای کشورهای ایران و مصر با توجه به سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی این کشور می‌توان بیان نمود که روش‌های کشاورزی در این کشورها غیر پایدار و با استفاده زیاد از کودهای شیمیایی بوده و به افزایش آلودگی کمک کرده‌اند. کشورهای خاورمیانه با ارزش افزوده بالاتر بخش کشاورزی به عنوان سهمی از GDP، نظیر سوریه (۲۶/۸۹ درصد) و یمن (۱۶/۲۵ درصد)، از نظر انتشار گازهای گلخانه‌ای دارای رتبه‌های پایین‌تری هستند. این دو کشور از نظر جمعیتی نیز به ترتیب دارای رتبه پنجم و ششم می‌باشند. این دو کشور از نظر تولید ناخالص داخلی به ترتیب با ۸۹۷۱۲ میلیون دلار و ۲۴۷۴۹ میلیون دلار در بین ۱۵ کشور مورد بررسی در رده‌های نهم و پانزدهم قرار دارند. بنابراین انتشار پایین آلودگی در این کشورها می‌تواند به کوچک بودن اقتصاد این دو کشور در مقایسه با دیگر کشورهای مورد مطالعه مربوط باشد. نتایج برآورد مدل نشان داد افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی در کشورهای منطقه خاورمیانه با افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای رابطه مثبتی دارد. این نتیجه بیانگر آن است که فعالیت‌های کشاورزی، به‌ویژه با روش‌های سنتی و ناپایدار، به طور مستقیم به تشدید بحران‌های محیط زیستی کمک می‌کند. این وضعیت نه تنها بر تأمین امنیت غذایی و اشتغال تأثیر منفی می‌گذارد بلکه ضرورت تغییر در سیاست‌گذاری‌ها و پذیرش فناوری‌های سبز و شیوه‌های کشاورزی پایدار را نمایان می‌سازد. از آنجا که کشورهای خاورمیانه با چالش‌های خاصی نظیر منابع آب محدود و تغییرات اقلیمی مواجه هستند، توجه به این مسائل و اتخاذ تدابیر موثر برای کاهش اثرات منفی محیط زیستی، امری ضروری به نظر می‌رسد. ضریب برآوردی مجذور متغیر ارزش افزوده بخش کشاورزی نیز منفی و تأییدی بر فرضیه محیط زیستی کوزنتس در این منطقه است. بر اساس نتایج مطالعه حاضر

بیشترین تأثیر رشد بخش کشاورزی بر انتشار متان و کمترین تأثیر بر انتشار دی اکسیدکربن بوده است. با توجه به تأثیر بیشتر توسعه بخش کشاورزی بر انتشار متان، تمرکز بر مدیریت دامداری‌ها امری ضروری است. این امر شامل بهینه‌سازی خوراک دام برای کاهش تولید متان در دستگاه گوارش (استفاده از افزودنی‌های خوراک، اصلاح نژاد دام) و بهبود شرایط نگهداری دام برای کاهش تولید متان از کود حیوانی (سیستم‌های مدیریت کود و بیوگاز)، است. در این راستا حمایت مالی و فنی از کشاورزان برای اجرای این تکنیک‌ها ضروری است. ترویج استفاده از کودهای آلی به جای کودهای شیمیایی (که عامل اصلی انتشار گاز اکسید نیتروژن در سطح مزرعه است) می‌تواند نقش مثبتی در کنترل انتشار آلودگی داشته باشد. همچنین، آموزش کشاورزان در مورد استفاده بهینه از کودهای شیمیایی (مانند روش‌های استفاده دقیق بر اساس تجزیه و تحلیل خاک، استفاده از کودهای با آزادسازی آهسته) و مدیریت بهینه کود حیوانی (تبدیل به کمپوست، استفاده در سیستم‌های بیوگاز) ضروری است. برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های کاهش انتشار، پایش و نظارت منظم بر انتشار گازهای گلخانه‌ای از بخش کشاورزی ضروری است. استفاده از فناوری‌های جدید (از جمله هوش مصنوعی و اینترنت اشیا) برای اندازه‌گیری انتشار گازهای گلخانه‌ای و ایجاد یک سیستم پایش ملی می‌تواند به بهبود مدیریت و تصمیم‌گیری کمک کند.

ضریب برآوری متغیر مصرف انرژی در مدل‌های مربوط به انتشار دی اکسیدکربن و متان مثبت و به ترتیب برابر ۰/۶۰۴ و ۰/۲۱۸ بدست آمده که در سطح قابل قبولی نیز معنی‌دار است. بنابراین افزایش مصرف انرژی، به ویژه انرژی‌های فسیلی، با افزایش انتشار آلودگی همراه هستند. این رابطه می‌تواند ناشی از ناکارآمدی در استفاده از انرژی، رشد اقتصادی و صنعتی شدن بدون توجه به مسائل محیط زیستی، و عدم اجرای سیاست‌های موثر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای باشد. در این راستا افزایش راندمان انرژی در بخش‌های مختلف اقتصادی، ترویج استفاده از وسایل نقلیه عمومی و یا با مصرف سوخت کمتر، استفاده از مالیات بر کربن، ارائه مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌تواند نقش مثبتی در کنترل انتشار آلودگی در این کشورها داشته باشد. با توجه به تأثیر مثبت مصرف انرژی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای خاورمیانه، سرمایه‌گذاری گسترده در انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی، بادی، زمین‌گرمایی و آبی برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و در نتیجه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای لازم است مورد توجه بیشتری قرار گیرد. آمارها حاکی از آن است که سهم انرژی تجدیدپذیر از کل مصرف انرژی در کشورهای خاورمیانه پایین‌تر از میانگین جهانی است. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از بانک جهانی، سهم

انرژی تجدیدپذیر در این منطقه کمتر از ۱۰ درصد گزارش شده است. کشورهایی همچون مصر، لبنان و اردن در حال حاضر پیشگامان استفاده از انرژی تجدید پذیر در خاورمیانه هستند. سهم مصرف انرژی تجدیدپذیر از کل مصرف انرژی در ایران نیز ۰/۹۱ درصد است که بیش از کشورهایی همچون امارات، عربستان سعودی، کویت و عمان گزارش شده است. در راستای توسعه کاربرد انرژی تجدیدپذیر در کشورهای خاورمیانه، مشوق‌های مالی، تسهیلات سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های امری ضروری است. به‌طورکلی کشورهای خاورمیانه به دلیل برخورداری از منابع غنی انرژی خورشیدی می‌توانند از این منابع بهره‌برداری بیشتری کنند و مصرف انرژی فسیلی را کاهش دهند.

ضریب برآوردی متغیر جمعیت در مدل‌های مورد بررسی مثبت و نسبت به سایر ضرایب در سطح بالاتری قرار دارد. بیشترین تاثیر رشد جمعیت در انتشار گاز دی اکسیدکربن مشاهده شد. به طوری که نتایج نشان داد تغییرات انتشار CO₂ نسبت به تغییرات جمعیت کُشش‌پذیر است. با افزایش جمعیت نیاز به انرژی، غذا، مسکن و سایر منابع افزایش می‌یابد. این موضوع منجر به افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی و در نتیجه انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. جمعیت بیشتر معمولاً به معنای افزایش فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی است که خود آلوده کننده محیط زیست هستند. به ویژه در کشورهای در حال توسعه که این فعالیت‌ها بدون در نظر گرفتن اثرات محیط زیستی انجام می‌شود. بنابراین سرمایه گذاری در انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، افزایش آگاهی عمومی درباره اثرات منفی گازهای گلخانه‌ای، توسعه زیرساخت‌هایی همچون حمل و نقل عمومی کارآمد می‌تواند نقش مثبتی در کنترل انتشار آلودگی در کشورهای خاورمیانه داشته باشد.

فهرست منابع

- Abban, O. J., Hongxing, Y., Nuta, A. C., Dankyi, A. B., Ofori, C., & Cobbinah, J. (2022). Renewable energy, economic growth, and CO₂ emissions contained Co-movement in African oil-producing countries: A wavelet based analysis. *Energy Strategy Reviews*, 44, 100977.
- Abdullahi, A. O., Safiyanu, S. S., & Soja, T. (2016). International trade and economic growth: An empirical analysis of West Africa. *IOSR Journal of Economics and Finance*, 7(2), 12-15.
- Abrigo, M. R., & Love, I. (2016). Estimation of panel vector autoregression in Stata. *The Stata Journal*, 16(3), 778-804.
- Adedoyin, F. F., Ozturk, I., Bekun, F. V., Agboola, P. O., & Agboola, M. O. (2021). Renewable and non-renewable energy policy simulations for abating emissions in a complex economy: evidence from the novel dynamic ARDL. *Renewable Energy*, 177, 1408-1420.

- Ahad, M.; Khan, W. (2016). Does Globalization Impede Environmental Quality in Bangladesh? The Role of Real Economic Activities and Energy Use. *Bull. Energy Econ.* 4, 258–279.
- Ahmed, Z., Ahmad, M., Caglar, A. E., & Pinzon, S. (2024). Achieving carbon neutrality and SDGs: assessing roles of solar energy, government stability, and population aging in greenhouse gas emissions. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 1-15.
- Ahmed, Z., Wang, Z., & Ali, S. (2019). Investigating the non-linear relationship between urbanization and CO₂ emissions: An empirical analysis. *Air Quality, Atmosphere & Health*, 12, 945-953.
- Al-mulali, U. (2012). Factors affecting CO₂ emission in the Middle East: A panel data analysis. *Energy*, 44(1), 564-569.
- Alola, A. A., Bekun, F. V., & Sarkodie, S. A. (2019). Dynamic impact of trade policy, economic growth, fertility rate, renewable and non-renewable energy consumption on ecological footprint in Europe. *Science of the Total Environment*, 685, 702-709.
- Amiri, A., Ottelin, J., Sorvari, J., & Junnila, S. (2020). Cities as carbon sinks—classification of wooden buildings. *Environmental Research Letters*, 15(9), 094076.
- Ashraf, J., Ashraf, Z., & Javed, A. (2023). The spatial spillover effects of energy transition and trade openness on CO₂ emissions. *Energy and Buildings*, 292, 113167.
- Begum, R. A., Sohag, K., Abdullah, S. M. S., & Jaafar, M. (2015). CO₂ emissions, energy consumption, economic and population growth in Malaysia. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 41, 594-601.
- Cahyo, H., Purnomo, S. D., Octisari, S. K., Surveyandini, M., Sundari, S., & Purwendah, E. K. (2023). Environment, population, and economy on CO₂ emission in Indonesia. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 13(6), 295-303.
- Chovancová, J., Zambrano-Monserrate, M. A., Bergougui, B., Ahakwa, I., & Dam, M. M. (2024). Global determinants of methane emissions in OECD countries: A dynamic panel approach. *Research in Globalization*, 100232.
- Destek, M. A., & Sarkodie, S. A. (2019). Investigation of environmental Kuznets curve for ecological footprint: the role of energy and financial development. *Science of the total environment*, 650, 2483-2489.
- Dietz, T., & Rosa, E. A. (1997). Effects of population and affluence on CO₂ emissions. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 94(1), 175-179.
- Dong, K., Hochman, G., Zhang, Y., Sun, R., Li, H., & Liao, H. (2018). CO₂ emissions, economic and population growth, and renewable energy: empirical evidence across regions. *Energy Economics*, 75, 180-192.
- Engle, R. F., & Granger, C. W. (1987). Co-integration and error correction: representation, estimation, and testing. *Econometrica: journal of the Econometric Society*, 251-276.

- Fakher, H. A., Ahmed, Z., Acheampong, A. O., & Nathaniel, S. P. (2023). Renewable energy, nonrenewable energy, and environmental quality nexus: An investigation of the N-shaped Environmental Kuznets Curve based on six environmental indicators. *Energy*, 263, 125660.
- Fao, F. A. O. S. T. A. T. (2021). Food and agriculture organization of the United Nations. *Rome*, URL: <http://faostat.fao.org>, 403-403.
- Florea, N. M., Badircea, R. M., Pirvu, R. C., Manta, A. G., Doran, M. D., & Jianu, E. (2020). The impact of agriculture and renewable energy on climate change in Central and East European Countries. *Agricultural economics*, 66(10), 444.
- Frenek, G., van der Linden, L., Mikkelsen, T. N., Brix, H., & Jørgensen, R. B. (2011). Increased [CO₂] does not compensate for negative effects on yield caused by higher temperature and [O₃] in *Brassica napus* L. *European Journal of Agronomy*, 35(3), 127-134.
- Ghimire, A., Lin, F., & Zhuang, P. (2021). The impacts of agricultural trade on economic growth and environmental pollution: evidence from Bangladesh using ARDL in the presence of structural breaks. *Sustainability*, 13(15), 8336.
- Gnangoin, T. Y., Kassi, D. F., Edjoukou, A. J. R., Kongrong, O., & Yuqing, D. (2022). Renewable energy, non-renewable energy, economic growth and CO₂ emissions in the newly emerging market economies: The moderating role of human capital. *Frontiers in Environmental Science*, 10, 1017721.
- Gosling, S. N., & Arnell, N. W. (2016). A global assessment of the impact of climate change on water scarcity. *Climatic Change*, 134(3), 371-385.
- Guo, J., Gao, J., Gao, S., Yan, K., Zhang, B., & Guan, C. (2024). Increasing impacts of China's oil and gas demands on global CH₄ emissions. *Science of The Total Environment*, 912, 169624.
- Hassan, M. U., Aamer, M., Mahmood, A., Awan, M. I., Barbanti, L., Seleiman, M. F., ... & Huang, G. (2022). Management strategies to mitigate N₂O emissions in agriculture. *Life*, 12(3), 439.
- Hosseini, S., Pakravan, M., Etghaei, M. (2013). Effects of Agriculture Sector Total Support Estimate on Food Security in Iran. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 44(4), 533-544. doi: 10.22059/ijaedr.2013.50957
- Kiani Feyzabad, Z., Yazdani, S., Salami, H., & Peykani, G. R. (2023). Analyze and identification components of instability in Iranian basins (application of water poverty index in basin scale). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 54(2), 471-485.
- Li, J., Irfan, M., Samad, S., Ali, B., Zhang, Y., Badulescu, D., & Badulescu, A. (2023). The relationship between energy consumption, CO₂ emissions, economic growth, and health indicators. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(3), 2325.
- Love, I., & Zicchino, L. (2006). Financial development and dynamic investment behavior: Evidence from panel VAR. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 46(2), 190-210.
- Maddala, G. S., & Wu, S. (1999). A comparative study of unit root tests with panel data and a new simple test. *Oxford Bulletin of Economics and statistics*, 61(S1), 631-652.

- Mosavi, S. H., Soltani, S., & Khalilian, S. (2020). Coping with climate change in agriculture: Evidence from Hamadan-Bahar plain in Iran. *Agricultural Water Management*, 241, 106332.
- Nazari Gooran, A., & Borimnejad, V. (2015). Bayesian Analysis of Spatial Probit Models for Investigating the Adoption of High Yielding Wheat Varieties. *Economic Modeling*, 7(21), 69-83.
- Nikkhah, A., Khojastehpour, M., Emadi, B., Taheri-Rad, A., & Khorramdel, S. (2015). Environmental impacts of peanut production system using life cycle assessment methodology. *Journal of Cleaner Production*, 92, 84-90.
- Özokcu, S., & Özdemir, Ö. (2017). Economic growth, energy, and environmental Kuznets curve. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 72, 639-647.
- Pan, X., Wang, X., Liu, L., Kuang, S., & Zheng, H. (2023). CO₂ and H₂O as sweep gases elevated carbon stability and decreased phytotoxicity of biochars. *Chemical Engineering Journal*, 472, 145035.
- Pedroni, P. (2004). Panel cointegration: asymptotic and finite sample properties of pooled time series tests with an application to the PPP hypothesis. *Econometric theory*, 20(3), 597-625.
- Qian, H., Zhu, X., Huang, S., Linquist, B., Kuzyakov, Y., Wassmann, R., ... & Jiang, Y. (2023). Greenhouse gas emissions and mitigation in rice agriculture. *Nature Reviews Earth & Environment*, 4(10), 716-732.
- Rahman, M. M., & Mamun, S. A. K. (2016). Energy use, international trade and economic growth nexus in Australia: New evidence from an extended growth model. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 64, 806-816.
- Raihan, A., & Tuspekova, A. (2022). The nexus between economic growth, renewable energy use, agricultural land expansion, and carbon emissions: New insights from Peru. *Energy Nexus*, 6, 100067.
- Reynolds, T.W., Waddington, S.R., Anderson, C.L., Chew, A., True, Z., & Cullen, A. (2015). Environmental impacts and constraints associated with the production of major food crops in sub-Saharan Africa and South Asia. *Food Security*, 7(4), 795–822.
- Ridzuan, A. R., Kumaran, V. V., Fianto, B. A., Shaari, M. S., Esquivias, M. A., & Albani, A. (2022). Reinvestigating the presence of environmental kuznets curve in Malaysia: The role of foreign direct investment. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 12(5), 217-225.
- Safwan, S. B., Wahid, M. A., & Ikhwal, M. F. (2024). Carbon Footprint Analysis of Residential Activities in the Kuta Alam Banda Aceh. *Journal of Low Carbon Technology and Society*, 1(1), 14-23.
- Sharma, A., Jindal, J., Mittal, A., Kumari, K., Maken, S., & Kumar, N. (2021). Carbon materials as CO₂ adsorbents: a review. *Environmental Chemistry Letters*, 19(2), 875-910.
- Simionescu, M., Bilan, Y., Zawadzki, P., Wojciechowski, A., & Rabe, M. (2021). GHG emissions mitigation in the European Union based on labor market changes. *Energies*, 14(2), 465.
- Smith, K. R., Desai, M. A., Rogers, J. V., & Houghton, R. A. (2013). Joint CO₂ and CH₄ accountability for global warming. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 110(31), E2865-E2874.

- Stock, J. H., & Watson, M. W. (2003). Forecasting output and inflation: The role of asset prices. *Journal of economic literature*, 41(3), 788-829.
- Tubiello, F. N., Salvatore, M., Rossi, S., Ferrara, A., Fitton, N., & Smith, P. (2013). The FAOSTAT database of greenhouse gas emissions from agriculture. *Environmental Research Letters*, 8(1), 015009.
- Ullah, A., Khan, D., Khan, I., & Zheng, S. (2018). Does agricultural ecosystem cause environmental pollution in Pakistan? Promise and menace. *Environmental Science and Pollution Research*, 25, 13938-13955.
- Ulucak, R., & Bilgili, F. (2018). A reinvestigation of EKC model by ecological footprint measurement for high, middle and low income countries. *Journal of cleaner production*, 188, 144-157.
- Wang, Y., & He, X. (2019). Spatial economic dependency in the Environmental Kuznets Curve of carbon dioxide: The case of China. *Journal of Cleaner Production*, 218, 498-510.
- World Bank. (2023). <https://databank.worldbank.org/>
- Yao, S., Zhang, S., & Zhang, X. (2019). Renewable energy, carbon emission and economic growth: A revised environmental Kuznets Curve perspective. *Journal of Cleaner Production*, 235, 1338-1352.
- Yusuf, A. M., Abubakar, A. B., & Mamman, S. O. (2020). Relationship between greenhouse gas emission, energy consumption, and economic growth: evidence from some selected oil-producing African countries. *Environmental science and pollution research*, 27(13), 15815-15823.
- Zoundi, Z. (2017). CO₂ emissions, renewable energy and the Environmental Kuznets Curve, a panel cointegration approach. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 72, 1067-1075.